نابودی زحمات یک ساله در پس سهل انگاری

تاک داری به خاطر جلوگیری از سرما زدگی محصول انگورش در باغش آتش روشن کرد اما سهل انگاری و آتش را به حال خودش رها کرد و با وزش باد آتش سبدهای انگورش را شعله ور و به تلی از خاکستر تبدیل کرد. مرد باغدار در روستای گلی که فکرش را نمی کرد با یک سهل انگاری حاصل دسترنج یک ساله اش از بین برود در باره چگونگی این حادثه گفت: به خاطر سرد شدن هوا ، از ترس سرمازدگی تمام محصول انگورم را که حدود ۷۰۰سبد بود یک روزه جمع کردم و روی هم داخل باغ چیدم و روی آن ها را با پلاستیک و چادر پوشاندم. وی ادامه داد: نیمه های شب هوا خیلی سرد شد و از ترس سرمازدگی انگورها دور تادور سبدها آتش روشن کردم. ساعاتی این گونه گذشت، به خاطر سردی هوا طاقت ماندن در باغ را نداشتم و با رها کردن آتش روشن به خانه برگشتم. وقتی صبح به باغ برگشتم در کمال تعجب دیدم تمام سبدهای انگورم که وزن آن ها به ۱۰تن می رسید در آتش سوخته اند. وی تصریح کرد: بعد از ترک باغ، با وزش باد آتش به چادر کشیده شده و به انگورها سرایت کرده بود و تمام سبدهای حاوی انگور که پلاستیکی بودند آتش گرفتند و به علت دوری باغ از روستا کسی متوجه ماجرا نشده بود و انگورها به تلی از خاکستر تبدیل شدند.

در راهروی دادگاه خانواده

عاقبت عشق یک طرفه

صدیقی- مدام بهانه تراشی می کرد و اخلاقش تند شده بود. اصلاً خودش هم نمی دانست که چه چیزی می خواهد و فقط غر می زد.
دوستش داشتم و خودش هم خوب می دانست و از این نقطه ضعفم سوء استفاده می کرد و خواسته های نامعقولش را عملی می کرد و من هم به خاطر علاقه زیادی که به او داشتم می سوختم و می ساختم. ماجرای قهرهای گاه و بی گاه و نق زدن های شوهرم مدتی ادامه داشت تا این که تصمیم گرفتم یک بار برای همیشه تکلیف مان را روشن کنیم.
زن دل شکسته می گوید: زمانی که از شوهرم خواستم دلیل رفتارهای بچگانه اش را توضیح دهد و حرف دلش را بزند، نگاهی به من کرد و آرام زیر لب گفت مدتی است عاشق یک زن شده است. از او خواستم که حرفش را دوباره تکرار کند که با حالتی حق به جانب همان حرف را بر زبانش جاری کرد. با شنیدن این جملات دنیا روی سرم خراب شد و چشمانم سیاهی رفت. گوشه ای خزیدم و به تمام خاطرات گذشته ام فکر کردم و گریه کردم.
چند روزی بی حس و حال در خانه کز کرده بودم، شوهرم در آن چند روز التماس می کرد و به من می گفت با این که عاشق زن غریبه شده اما هیچ وقت دلش نمی آید من را رها کند و از من جدا شود.
همسرم به من گفت که اگر به او علاقه دارم، خواسته اش را قبول کنم که این ازدواج سر بگیرد. وقتی اصرار و سماجت او را دیدم راضی به این وصلت شدم.
به خاطر این که طاقت دوری از شوهرم را نداشتم راضی نشدم جدا و دور از شوهر و هوویم زندگی کنم و در کنار آنها زیر یک سقف به زندگی بی روح و سردم ادامه دادم. مدتی از این ماجرای تلخ و غمگین گذشت تا این که دوباره اخلاق و رفتار شوهرم روز به روز بدتر شد.
با ادامه کشمکش ناگهان شوهرم عصبانی شد و کتری آب جوش را به سمتم پرت کرد و دچار سوختگی شدم. بلافاصله بعد از این درگیری با حالت قهر از خانه بیرون و نزد پدر و مادرم رفتم.
چند هفته ای از قهرمان گذشت و خبری از همسرم برای متقاعد کردنم برای برگشت به خانه نشد تازه آن موقع بود که متوجه شدم عشق مایک طرفه بوده و من عاشق پیشه این ماجرا بودم.

ماجرای زنی که از گذشته سیاهش عبرت نگرفت

اسارت در چنگال افیون

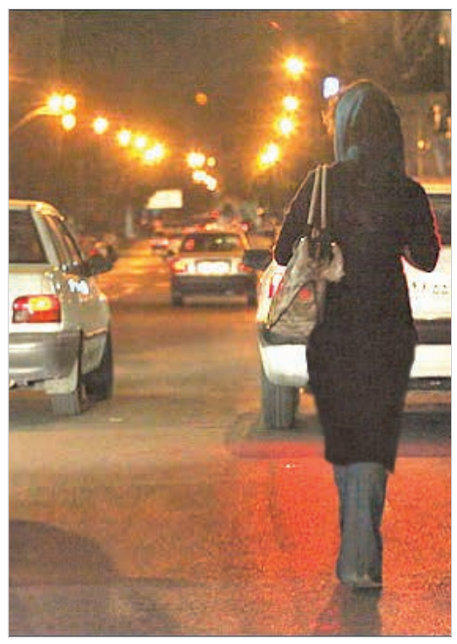

صدیقی

نه اراده ای در من باقی مانده است و نه توان و رمقی برای ایستادن. کسی را سرزنش نمی کنم چرا که مقصر اول و آخر خودم هستم.
روزگاری نه چندان دور، دختری سرزنده و پر شوری بودم و تند باد هم نمی توانست من را از جایم تکان بدهد، اما حالا حتی با یک نسیم کوچک هم تلو تلو می خورم و مثل فرفره دور خودم می چرخم. آخر و عاقبت بیراهه رفتن، پند نگرفتن و اصلاح نکردن خود، غرق شدن در منجلاب اعتیاد است.
مهر مادری را با اعتیاد عوض کردم و حالا به جای در آغوش گرفتن کودک های معصومم در اسارت اعتیاد گرفتار شده ام. این ها بخشی از صحبت های زن جوان در بند اعتیاد است.
او درباره ماجرای زندگی اش می گوید: تنها فرزند خانواده بودم و هیچ همدم و یاوری نداشتم که با او تنهایی هایم را قسمت کنم و دردهایم را در میان بگذارم.
پدرم فوت کرده بود و من به همراه مادر پیر و سالخورده ام زندگی می کردم که به خاطر تسکین دردهایش تریاک مصرف می کرد. با حقوق بازنشستگی پدرم روزگارمان را سر می کردیم.
من مثل دخترهای هم سن و سالم درگیر درس و مدرسه بودم و این روال تا دوران دبیرستان ادامه پیدا کرد. زن جوان که انگار مواد جای تمام دل مشغولی های زندگی اش را گرفته و همدم و مونسش شده است، تعریف می کند: زمانی که تنها بودم به دوستان و همکلاسی های دوران دبیرستانم پناه می بردم. دوستانم اصلاً در بند زندگی و آبرو نبودند و مدام در پاتوق ها به سر می بردند و دل خوشی شان مصرف مواد بود.
اوایل در دورهمی آنها شرکت می کردم و تفننی مواد مصرف می کردم اما رفته رفته بدنم به مواد عادت کرد و بعد از مدتی مواد همدم همیشگی من شد. درگیر اعتیاد بودم که یکی از پسرهای همسایه به خواستگاری ام آمد و طولی نکشید که جشن عروسی مان برپا شد و زندگی مشترک مان زیر یک سقف آغاز شد.
بعد از ازدواج به خاطر محدودیت جا و مکان مصرف موادم را کم کردم و به صورت مختلف به انجام این کار ادامه می‌دادم و شوهرم از ماجرا خبر نداشت. زن جوان زمانی دستش رو می شود که صاحب فرزند می شود به طوری که با دنیا آمدن فرزندش دیگر زمانی برای مصرف مواد به واسطه شلوغی اطرافش پیدا نمی کند تا این که علایم عدم مصرف مواد در او ظاهر و همه چیز برملا می شود.
زن آواره ادامه می دهد: بعد از زایمان دیگر وقت تهیه مواد را نداشتم و چند روزی بدون مواد ماندم تا این که حالم بد شد و بی رمق شدم حتی نای حرف زدن و شیر دادن به نوزادم را نداشتم و با توجه به این که مادر شوهرم پرستار بود خیلی زود متوجه ماجرا شد.
بعد از آن جنجال به پا شد و قهر و آشتی بین ما مدتی ادامه پیدا کرد. بعد از رو شدن این ماجرا خانواده همسرم به خاطر ترس از آبروریزی مدتی من را در خانه حبس کردند تا شاید بتوانم پاک شوم اما فایده ای نداشت و مجبور شدند من را در یک کمپ ترک اعتیاد بستری کنند. بعد از مدتی از کمپ به خانه آمدم اما این پاک بودنم زیاد دوام نیاورد و دوباره بوی مواد به دماغم خورد. این ماجرا و کشمکش ترک اعتیادم چندین بار تکرار شد و هر بار که از کمپ برمی گشتم دوباره مصرف را شروع می کردم.
خانواده همسر زن معتاد بعد از این ماجرا تصمیم می گیرند به یک شهر دیگر نقل مکان کنند تا شاید عروس سمجشان با تغییر محل زندگی و دوری از دوستان نابابش، از اعتیاد دست بردارد و بتواند به زندگی عادی اش بر گردد. تیرهای آنها یکی پس از دیگری به سنگ می خورد و دوباره همان آش و همان کاسه می شد، چرا که زن جوان دست از بیراهه رفتنش برنمی داشت.
زن جوان می گوید: زمانی که به شهر دیگری رفتیم اصلاً آرام و قرار نداشتم و مدام به دنبال مواد می گشتم و دوباره طولی نکشید که به سراغ مواد رفتم. با ادامه و لجاجت پی در پی من و غرق شدن در اعتیاد بالاخره خانواده همسرم از دست من خسته و ناامید شدند و با من اتمام حجت کردند. مادر همسرم برایم شرط گذاشت و به من گفت به زادگاهم نزد مادرم برگردم و تا زمانی که خودم را شر افیون خانمان سوز خلاص نکرده ام حق بازگشت نزد آن ها و شوهرم را ندارم من هم به ناچار پیش مادرم رفتم اما دریغ از اراده نه تنها اعتیادم کم نشد بلکه شدت هم گرفت و روز به روز در باتلاق ناهنجاری ها فرو می رفتم. بعد از مدتی متوجه شدم که باردار هستم و زمانی که موضوع را با خانواده همسرم در میان گذاشتم آنها قبول نکردند و مدعی شدند به خاطر این که من مدام در پاتوق معتادان سر می کنم این بچه حاصل روابط نامشروع است.
با ادامه کارهای زشت و ناپسندم خانواده همسرم از من دوری و مرا فراموش کردند.
بعد از این ماجرا زن جوان وقتی خودش را تک و تنها و بی یاور می بیند نوزادش را به یک مرکز حمایتی و دولتی می سپارد تا فرزندش سرنوشت او را پیدا نکند.
زن لاغر، دل مرده و تهی از مهر مادری آخرین برگ دفترش را ورق می زند و می گوید: وقتی تک و تنها شدم و خودم را به خاطر خراب کردن تمام پل های پشت سرم از همه جا رانده و از همه جا مانده دیدم بچه ام را به یک مرکز حمایتی سپردم و خودم را معرفی کردم و تحت حمایت یک نهاد دولتی قرار گرفتم اما داستان به اینجا ختم نشد، زمانی که پایم از آن مرکز حمایتی به بیرون باز شد خودم را در پاتوق معتادان دیدم.

اخبار

حذف ۳ پیچ خطرناک از محور اسفراین- سنخواست

نجفیان- ۳ پیچ خطرناک از محور اسفراین- سنخواست که نیازمند بازنگری و اصلاح هندسی بود حذف شد.
رئیس اداره راهداری و حمل و نقل جاده ای اسفراین با اعلام این مطلب در گفت و گو با خبرنگار ما افزود: این پیچ هاکه به دلیل میدان دید ناکافی و رعایت نکردن سرعت مطمئنه و قانون راهنمایی و رانندگی در نزدیکی روستای چشمه خالد آباد محور اسفراین – سنخواست قرار داشت با ترانشه برداری ضمن اصلاح هندسی، آرام سازی شد.
«ابراهیم ذاکری» افزود: ایمن سازی، آشکارسازی و آرام سازی نقاط و مقاطع حادثه خیز همواره در دستورکار راهداران اسفراینی بوده است که شانه سازی، اصلاح شیب های شیروانی و احداث شیارهای لرزاننده عرضی در ۱۰ مقطع حادثه خیز، نصب سرعت کاه های پلاستیکی در ۵ نقطه و احداث دست اندازهای آسفالت در ۲۳ نقطه از مسیرهای آنتنی محور اسفراین – سنخواست به عنوان پر حادثه ترین جاده این شهرستان از مهم ترین اقدامات اداره راهداری و حمل و نقل جاده ای بوده است.

آتش سوزی ۴۲ منزل در اسفراین طی سال جاری

آتش سوزی منازل در صدر حوادث گزارش شده به آتش نشانی اسفراین قرار دارد و طی سال جاری تاکنون ۴۲ منزل مسکونی در این شهر دچار حریق شده است.رئیس آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اسفراین با اعلام این مطلب در گفت و گو با خبرنگار ما افزود: از ابتدای سال جاری تاکنون امدادگران آتش نشانی به ۱۰۹ ماموریت اطفای حریق اعزام شده اند. «حسین پیکانی» افزود: در این مدت ۲۶ منزل مسکونی در محدوده شهری و ۱۶ منزل مسکونی روستایی دچار آتش سوزی شدند.
وی با اشاره به این که آتش سوزی خودرو در ردیف بعدی آتش سوزی های گزارش شده به آتش نشانی و خدمات ایمنی اسفراین با ۲۲ مورد بوده است، خاطر نشان کرد: حریق علف های هرز، زباله و اراضی کشاورزی هم ۲۴ مورد گزارش شده است.

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی
(مناقصه شماره ـ ۹۶/۳۲۹) نوبت دوم شماره مجوز: ۱۳۹۶/۳۴۲۵
شرکت گاز استان خراسان شمالی
۱ـ موضوع مناقصه
انجام خدمات تعمیرات و توسعه شبکه و نصب انشعابات و تجهیزات متفرقه شهرستان اسفراین و روستاهای تابعه
۲ـ نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: بجنورد– خیابان طالقانی شرقی– نبش خیابان دهخدا– کدپستی –۹۴۱۵۶–۷۵۹۴۹
شرکت گاز خراسان شمالی
۳– نحوه دریافت اسناد ارزیابی و مهلت ارائه مدارک: از پیمانکاران واجد شرایط (دارای گواهی صلاحیت پیمانکاری تاسیسات وتجهیزات، توانایی مالی، ظرفیت آزاد کاری، تخصص و سابقه کاری مرتبط) دعوت به عمل می‌آید ضمن اعلام آمادگی کتبی، جهت تشکیل/تکمیل پرونده به همراه کلیه مدارک خواسته شده براساس جداول ارزیابی کیفی مندرج در پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات http://iets.mporg.ir و سایت شرکت گاز خراسان شمالی www.nigc-nkgc.ir، حداکثر تا تاریخ ۹۶/۰۸/۲۰ به دفتر امور قراردادهامراجعه و یا از طریق پست پیشتاز مدارک خود را ارسال نمایند.
۴–میزان و نوع تضمین شرکت در مناقصه: مطابق با آئین نامه تضمین معاملات دولتی می‌باشد.
۵–مبلغ براورد اولیه: ۱۴/۶۹۵/۰۰۰/۰۰۰ریال
۶–نحوه و زمان توزیع اسناد مناقصه: اسناد مناقصه در تاریخ ۹۶/۰۸/۲۹ به مناقصه‌گرانی که حداقل امتیاز ارزیابی کیفی (۶۰) را کسب نموده باشند تحویل می‌گردد.
شماره مرکز تلفن : کد شهری (۰۵۸) ۹– ۳۲۴۰۳۳۳۳
تلفن مستقیم امور قراردادها: –۳۲۴۰۳۳۴۱ فاکس امور قراردادها: ۳۲۴۰۳۳۴۲
کد فراخوان مناقصه مندرج در پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات: ۱۵۰۳۹۱۹
روابط عمومی شرکت گاز استان خراسان شمالی
م الف ۱۰۰۵۳۵
۹۶۱۵۹۴۸۲/و

قابل توجه ارائه دهندگان خدمات مجالس ترحیم و بزرگداشت
* تالارها * رستوران ها * مراکز طبخ غذا * گل فروشی ها * حکاکان
* پارچه نویسان * تابلوسازان * فیلمبرداران و عکاسان * ظروف کرایه، ظروف یک بار مصرف
برای درج آگهی در صفحات روزنامه با تخفیف ویژه با شماره های زیر تماس بگیرید:
۳۲۲۱۲۷۶۰ – ۳۲۲۴۵۰۰۵
۹۶۱۶۰۲۰۵/